

۱۳ تیر ۱۴۰۴ - شهر چمران خوزستان

خطبه اول:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ
وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ وَنُصَلِّي وَنُسَلِّمُ عَلَى حَبِيبِهِ وَنَجِيبِهِ وَ
خَيْرَتِهِ فِي خَلْقِهِ حَافِظِ سِرِّهِ وَ مُبَلِّغِ رِسَالَاتِهِ بِشِيرِ
نِعْمَتِهِ وَ نَذِيرِ نِقْمَتِهِ سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا اَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى
مُحَمَّدٌ وَ عَلَى آلِهِ الْاَطْيَبِينَ الْاَظْهَرِينَ الْمُتَجَبِّينَ
الْهَدَاءَ الْمَهْدِيِّينَ سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْاَرْضِينَ وَ صَلَّ
اللَّهُ عَلَى اَئِمَّةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ هَدَاءِ الْمُسْتَضْعِفِينَ وَ حَمَاءِ
الْمُؤْمِنِينَ.

عِبَادَ اللَّهِ اَوْصِيكُمْ وَ نَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ

عاشورا، بهترین کلاس درس ولایت

یکی از واژگان قرآنی بسیار مهم و در عین حال ژرف و عمیق، واژه «ولایت» است. ولایت، معنای عجیبی است. اصل معنای ولایت، عبارت از نزدیک بودن دو چیز با یکدیگر است. وقتی که دو ریسمان، محکم به هم تابیده می شوند و جدا کردن آن ها از یکدیگر، به آسانی ممکن نیست، آن را در عربی «ولایت» می گویند. ولایت، یعنی اتصال و ارتباط و قرب دو چیز به صورت مماس و مستحکم با یکدیگر.

از مرحوم آیت الله شاه آبادی، استاد بزرگ امام راحل (ره) نقل است که اصلی ترین معانی را که مردم باید از ولایت بفهمند، در آیه الکرسی بیان شده است. ایشان معتقد بود،

آیه اول آیه الكرسي (الله لا اله الا هو الحي القيوم...)،
 معارف توحیدی را تبیین می کند، آیه دوم (لا اکراه فی
 الدین...)، اصل نبوت؛ و آیه سوم (الله ولی الذین آمنوا)،
 اصل ولایت را تبیین می نماید. خدای متعال در این آیه سوم
 می فرماید: «خداوند، ولیّ و سرپرست کسانی است که ایمان
 آورده اند؛ آن ها را از ظلمت ها، به سوی نور بیرون می برد. اما
 کسانی که کافر شدند، اولیای آن ها طاغوت ها هستند؛ که
 آن ها را از نور، به سوی ظلمت ها بیرون می برند...» (اللَّهُ وَلِيُّ
 الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا
 أَوْلِيَائُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ...)
 (بقره: ۲۵۷).

چند آموزه اساسی در خصوص ولایت در این آیه وجود
 دارد:

۱. در عالم، دو ولایت بیشتر وجود ندارد. شقّ سوم یا چیزی بینابین این دو ولایت وجود ندارد: «ولایة الله» و «ولایت طاغوت».

۲. انسان بی‌ولیّ در این عالم وجود ندارد. همه انسان‌های ذیل یکی از این دو ولایت‌اند.

۳. کارکرد اصلی ولایت هم راهبری و حرکت کلان است. چه ولایة الله و چه ولایت طاغوت، هر دو انسان را راهبری می‌کنند، منتهی ولایة الله، راهبری‌اش «مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» است؛ اما ولایت طاغوت، «مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ».

۴. بنابراین در این عالم، انسان ساکن هم وجود ندارد و انسان‌ها به واسطه ولیّ‌ای که انتخاب می‌کنند، دائما ذیل یکی از این دو ولایت رهسپارند.

عاشورا، بهترین کلاس درس ولایت است؛ چون در صحنه
عاشورا و صحنه کربلا است که دوقطبی ولایت‌الله و ولایت
طاغوت کاملاً محرز بود، و کسی که در کربلا بود، باید یکی
از این دو خیمه‌گاه را انتخاب می‌کرد و نمی‌توانست خیمه
بینابین و میانه‌ای برای خودش دست‌وپا کند. امثال جناب
زهیر و حرّ و هرثمه بن سلیم و عبیدالله بن حرّ جعفی و
ضحاک بن عبدالله مشرقی هر چه سعی کردند، نتوانستند از
این دوقطبی بیرون بیایند و بالاخره به سمت یکی از این دو
خیمه‌گاه رفتند، منتهی یکی یخرج من الظلمات الی النور؛
مثل جناب زهیر و حرّ؛ اما یکی هم یخرج من النور الی
الظلمات؛ مثل هرثمه بن سلیم و عبیدالله بن حرّ جعفی و
ضحاک بن عبدالله مشرقی.

خطبه دوم:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ربّ العالمين و الصّلاه و السّلام على سيّدنا و
نبينا ابي القاسم المصطفى محمّد و على ءاله الأطيبين
الأطهرين سيّما بقيّة الله في الأرضين و صلّ على عليّ
امير المؤمنين و فاطمة الزّهراء سيّدة نساء العالمين و صلّ
على الحسن و الحسين سيّدى شباب اهل الجنّة و على
عليّ بن الحسين و محمّد بن عليّ و جعفر بن محمّد و
موسى بن جعفر و عليّ بن موسى و محمّد بن عليّ و
عليّ بن محمّد و الحسن بن عليّ و الخلف القائم المهديّ
حججك على عبادك و امنائك في بلادك و صلّ على
ائمّة المسلمين و حماة المستضعفين و هداة المؤمنين.

عباد الله اوصيكم و نفسي بتقوى الله

از جمله انواع تقوا، تقوای روحی است. یعنی انسان باید روح خود را به اندازه ای تقویت نماید که تقوا در آن به صورت یک ملکه در آید و آن را از آلودگی ها حفظ نموده و چنان روح قوی و پاکی داشته باشد که بتواند به وسیله آن به خداوند نزدیک شده و راه تکامل را طی کند.

چمران، شهر عاشقان حسینی است

ایام تاسوعا و عاشورای حسینی را تسلیت عرض می کنیم.

ماه محرم در شهر چمران از حال و هوای خاصی برخوردار است که به طوری که همه شهر یکپارچه عزادار سید و سالار شهدا (ع) می شود و از همه کوچه ها و خیابان های آن صدای عزای حسینی (ع) به گوش می رسد به طور که این شهر را تبدیل به یک حسینه بزرگ کرده که عاشقان حسینی در آن زندگی می کنند.

نقش فرهنگ اسلامی در تاب‌آوری ملی

فرهنگ اسلامی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی هویت جوامع مسلمان، نقش بسزایی در تقویت تاب‌آوری ملی ایفا می‌کند. تاب‌آوری ملی، توانایی یک جامعه برای مقاومت در برابر بحران‌ها، چالش‌ها و تهدیدات و بازسازی خود در شرایط دشوار است. فرهنگ اسلامی، با تکیه بر ارزش‌ها، باورها و تعالیم دینی، به‌عنوان یک نیروی معنوی و اجتماعی، به جوامع اسلامی کمک می‌کند تا در برابر ناملازمات مقاوم‌تر باشند.

۱. بعد معنوی: ایمان و توکل به خدا

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های فرهنگ اسلامی که به تاب‌آوری ملی کمک می‌کند، تأکید بر ایمان و توکل به خداوند است. باور به اینکه خداوند حامی و پشتیبان مؤمنان است، به افراد و جوامع در شرایط بحرانی آرامش روانی و امید می‌بخشد. آیاتی از قرآن کریم، مانند «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳)، به

مؤمنان انگیزه می‌دهد تا در برابر سختی‌ها صبور باشند و به آینده امیدوار بمانند. این باور در بحران‌هایی مانند جنگ، بلایای طبیعی یا فشارهای اقتصادی، به‌عنوان یک نیروی محرکه عمل کرده و افراد را به ادامه مقاومت تشویق می‌کند.

۲. ارزش‌های اخلاقی: صبر، ایثار و عدالت

فرهنگ اسلامی ارزش‌هایی چون صبر، ایثار و عدالت را ترویج می‌کند که به‌طور مستقیم به تاب‌آوری ملی کمک می‌کنند. صبر در برابر مشکلات، چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی، به‌عنوان یک فضیلت اسلامی، افراد را به تحمل سختی‌ها و یافتن راه‌حل‌های خلاقانه تشویق می‌کند. ایثار، که در فرهنگ اسلامی به معنای فداکاری برای دیگران و جامعه است، وحدت اجتماعی را تقویت کرده و در زمان‌های بحران، مانند جنگ یا بحران‌های اقتصادی، به همبستگی ملی منجر می‌شود. همچنین، تأکید اسلام بر عدالت، انگیزه‌ای برای مبارزه با بی‌عدالتی و فساد ایجاد می‌کند که

به استحکام ساختارهای اجتماعی و افزایش تاب‌آوری کمک می‌کند.

۳. همبستگی اجتماعی: نقش نهادهای دینی و آیین‌های جمعی

فرهنگ اسلامی از طریق نهادهای دینی مانند مساجد، حسینیه‌ها و آیین‌های جمعی مانند نماز جماعت، نماز جمعه، عزاداری‌های محرم و مراسم‌های مذهبی، حس همبستگی و تعلق اجتماعی را تقویت می‌کند. این آیین‌ها و نهادها به عنوان فضاهایی برای تبادل حمایت عاطفی، مادی و معنوی عمل می‌کنند. برای مثال، در زمان بحران‌هایی مانند زلزله یا سیل، مساجد و گروه‌های مذهبی اغلب به عنوان مراکز هماهنگی کمک‌رسانی عمل کرده و به بازسازی سریع‌تر جامعه کمک می‌کنند. این همبستگی اجتماعی، که ریشه در فرهنگ اسلامی دارد، تاب‌آوری ملی را در برابر تهدیدات خارجی و داخلی تقویت می‌کند.

۴. فرهنگ جهاد و مقاومت

فرهنگ اسلامی با تأکید بر مفهوم جهاد (به معنای تلاش و مبارزه در راه خدا) و مقاومت در برابر ظلم، به جوامع اسلامی روحیه‌ای برای ایستادگی در برابر تهدیدات خارجی و داخلی بخشیده است. این فرهنگ، به‌ویژه در جوامعی که با تهاجمات نظامی، فشارهای سیاسی یا تحریم‌های اقتصادی مواجه بوده‌اند، به‌عنوان یک نیروی انگیزشی عمل کرده است. نمونه بارز آن، نقش فرهنگ اسلامی در مقاومت ملت‌هایی مانند ایران در دوران جنگ تحمیلی یا مقاومت فلسطین در برابر اشغالگری است. این روحیه مقاومتی، که ریشه در تعالیم اسلامی دارد، به تاب‌آوری ملی کمک شایانی کرده است.

۵. امید به آینده و انتظار مهدوی

یکی از جنبه‌های منحصربه‌فرد فرهنگ اسلامی، به‌ویژه در میان شیعیان، باور به ظهور منجی و انتظار مهدوی است. این باور، که آینده‌ای روشن و عادلانه را نوید می‌دهد، به جوامع اسلامی امید و

انگیزه‌ای برای تحمل سختی‌های کنونی می‌بخشد. این نگاه آینده‌محور، به‌ویژه در زمان‌هایی که جوامع با بحران‌های شدید مواجه هستند، از ناامیدی جمعی جلوگیری کرده و تاب‌آوری را تقویت می‌کند.

بنابراین فرهنگ اسلامی با ارائه چارچوبی معنوی، اخلاقی و اجتماعی، نقش کلیدی در تاب‌آوری ملی جوامع اسلامی ایفا می‌کند. ایمان و توکل به خدا، ارزش‌های اخلاقی مانند صبر و ایثار، همبستگی اجتماعی از طریق نهادها و آیین‌های دینی، فرهنگ جهاد و مقاومت، و امید به آینده‌ای عادلانه، همه به‌عنوان اجزای این فرهنگ، به جوامع اسلامی کمک می‌کنند تا در برابر بحران‌ها و چالش‌ها مقاوم بمانند. تقویت این جنبه‌های فرهنگی می‌تواند به‌عنوان یک استراتژی مؤثر برای افزایش تاب‌آوری ملی در برابر تهدیدات آینده مورد توجه قرار گیرد.